

مد

افسونگر همیشه تاریخ



اجتماعی

اشاره الهام رضایی

تاریخ باز هم تکرار می‌شود؛ چرا که هنوز هم کلیسا و مسیحیت از نفوذ و پیشرفت سریع اسلام واهمه دارند و به نقشه‌های ماهرانه خود امید بسته‌اند. آری! امروزه هم ایادی همان کلیسا که تمدن درخشان اسپانیا را به آن روز سیاه‌نشانند، فعالیت خود را در ممالک کوچک و بزرگ اسلامی رها کرده‌اند و روندی مشابه همان روشی را که در شش قرن گذشته پی گرفتند، در کشورهای اسلامی تکرار می‌کنند.

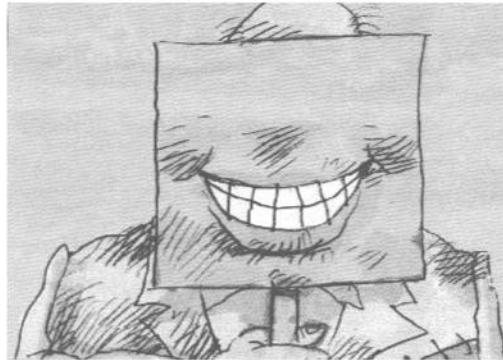


طرح: زهرا رضایی

پیشینه هر کشور، رویدادهای تلخ و شیرین بسیاری را در خود جای داده؛ ولی کم‌تر حادثه‌ای همانند سرنوشت شوم کشور زیبای اندلس تکان‌دهنده و عبرت‌انگیز است. بی‌شک، تغییر سرنوشت هیچ کشوری با یک حادثه رقم نمی‌خورد و عوامل متعددی در این امر دخیل هستند که توجه چندانی به آن‌ها نمی‌شود. کاوش‌های مستمر پژوهشگران پس از گذشت قرن‌ها از دوران پر عظمت مسلمین، حقایق تلخی را از وضع اسفبار مسلمانان اندلس آشکار ساخته است. در حقیقت، انحطاط تمدن غنی اندلس از هنگامی آغاز شد که مسیحیت

تصمیم گرفت از هر راه ممکن - چه مشروع و چه نامشروع - مانع از پیشرفت اسلام در اروپا و دیگر فاره‌ها شود و سرانجام نقشه‌ها و دسیسه‌های آنان یک روز به سقوط اندلس در غرب انجامید و روزی هم به صورت جنگ‌های صلیبی در شرق نمایان شد که تلفات سنگینی را بر مسلمین وارد کرد. یکی از عوامل مهمی که سقوط اندلس را سرعت بخشید، خودباختگی و استحاله فرهنگی بر اثر هجوم فرهنگ‌های بیگانه و دولت‌های مهاجم بود؛ حربه‌ای که هم اکنون سرزمین ما را نیز نشانه رفته است. شاید تا چند سال پیش، اگر به فردی برمی‌خوریم که مو، صورت و یا پوشش خود را به شکلی نامتعارف درآورده بود، انگشت حیرت به دهان می‌گرفتیم؛ ولی اکنون چنان بی‌اعتنا از کنار این مسائل می‌گذریم که گویی آن‌ها را به صورت هنجاری از اجتماع پذیرفته‌ایم. در اوضاع کنونی، دیدن برخی گریم‌های صورت، مو... در عین شگفتی و یا مضحک بودن، برآیمان عادی شده؛ چرا که پذیرفته‌ایم ره‌آورد مد، هر ثانیه تحفه تازه‌تری است از آن چه تا چند لحظه پیش مطرح بوده. آری! این تب تند و تیز که بازتاب لایه‌های زیرین فرهنگی جامعه تعریف شده، در جامعه‌ای تجلی می‌یابد که دارای غنای فرهنگی و دستمایه‌های فلسفی است.

واژه مد به معنای سلیقه، اسلوب، روش و... به کار می‌رود و در اصطلاح عبارت است از روش و راهی موقتی که براساس ذوق و سلیقه افراد یک جامعه، سبک زندگی، نوع لباس پوشیدن، آداب معاشرت، معماری و... را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین این می‌توان گفت: مد به تغییر



♦♦ متأسفانه خواص جامعه ما و روشنفکران در اوضاع کنونی دچار بحران هویت شده‌اند، به گونه‌ای که آن چه هستند و آن چه می‌خواهند باشند، دو چیز متفاوت است

سلیقه ناگهانی و مکرر همه یا برخی از افراد یک جامعه اطلاق می‌شود که به گرایش و بروز رفتاری خاص یا مصرف‌کالایی ویژه و پیش گرفتن سبکی نو می‌شود. در بررسی ابعاد گوناگون این پدیده، نکته حائز اهمیت این است که مد و مدگرایی همواره در تاریخ بشر وجود داشته و در هر دوره با شکلی خاص تجلی یافته است. در حقیقت

که همان‌جویی و زیبایی دوستی انسان، در توجه به ظواهر و تقلید کورکورانه خلاصه نشود که در این صورت جنبه انحرافی یافت و ردایی چون خودنمایی، فخر فروشی، رقابت‌های نادرست، اسراف و تذبذبها و... بروز می‌سازند و انسان را به حیوانی پست مبدل می‌کنند و این همان اتفاقی بود که در سرزمین اندلس به وقوع پیوست؛ چرا که سران دولت‌های اروپایی دریافتند بودند برای نفوذ و پیشبرد مقاصد شوم خود، بهترین راه در کوتاه‌ترین زمان ممکن، استحاله فرهنگی مردم آن سرزمین است. پس به سرعت دست به کار شدند. آن‌ها برای محقق ساختن اهداف خود می‌بایست درازهان سالم مسلمانان - که امکان هرگونه تعدی را از بیگانگان گرفته بود - نفوذ می‌کردند. پس با آلوده ساختن مسلمین به انحرافات و لهو و لعبها، مقدمات انحطاط اخلاقی آنان فراهم شد و به فاصله اندکی نوع پوشش، رفتار و حتی شیوه زندگی



ریشه‌های مد و مدگرایی به فطرت انسان باز می‌گردد؛ به عبارتی دیگر: آفرینش انسان به گونه‌ای است که همواره از حالت یکنواختی گریزان بوده و در مقابل از تحول، نوآوری و تنوع در شکل و شیوه زندگی استقبال می‌کند. این امر نفوذ مد و گرایش به آن را شدت می‌بخشد که اگر این تمایل در حالت عادی، آگاهانه و تدریجی صورت گیرد، قابل توجهی می‌باشد مشروط بر این

مردم آن سرزمین، همان گونه شد که دول متجاوز در قالب تمدن و به واسطه تبلیغات وسیع آن را دنبال می‌کردند. در این میان نقش زنان و دختران اروپایی که روانه سرزمین اندلس شده بودند، اهمیت فراوانی داشت: آن‌ها پوشش، آرایش، ابتذال و حتی شیوه دلربایی خود را در معرض دید زنان و دختران کشور میزبان قرار دادند و نتیجه همان شد که در تاریخ



انجام گرفت. هدف دیگر، گسترش فرهنگ غرب به منظور تسلط بر کشورهای مسلمان بود که مدارس خارجی برای تحقق این امر، آموزش دختران را به صورت رایگان عهده‌دار شدند. هدف واقعی آنان باسواد کردن دختران ایرانی نبود؛ چرا که در سال‌های بعد و به ویژه در برنامه کشف حجاب رضاشاه، همین تحصیل‌کردگان مدارس خارجی، نقش نخست را ایفا می‌کردند.

پس از انقلاب مشروطه در ایران، درباره تأسیس مدارس جدید یا عدم تأسیس آن‌ها اختلاف نظر به وجود آمد: عده‌ای معتقد بودند به رغم گستردگی علوم و فنون جدید، دختران باید فقط به یادگیری مباحثی چون تربیت فرزند، خانه‌داری و... بپردازند؛ ولی دسته دوم از مشروطه‌خواهان که بیش‌تر آن‌ها از روشنفکران حزب دموکرات بودند، اعتقاد داشتند نباید در آموزش دختران هیچ محدودیتی وجود داشته باشد و بدین منظور باید بر تعداد مدارس جدید افزوده و مکتب‌خانه‌های قدیم بسته شود؛ و در مقابل، دسته سوم از مشروطه‌خواهان با تأسیس مدارس به سبک جدید مخالف بودند و همان مکتب‌خانه‌های قدیمی را ترجیح می‌دادند. عموم مردم نیز این مدارس را مراکز ترویج کفر می‌دانستند و به همراه علما و بسیاری از مشروطه‌خواهان با راه‌اندازی و فعالیت آن‌ها به شدت مخالفت می‌کردند.



آنان در تشریح مخالفت خود، دلایلی را بیان می‌کردند. از جمله این دلایل مواد درسی بود؛ چرا که در مدارس قدیم (مکتب‌خانه‌ها) آموزش قرآن و احکام مذهبی مد نظر بود ولی در مدارس جدید، آموزش قرآن اساساً مطرح نمی‌شد. مسأله دیگر، زبان این گونه مدارس بود. در مدارس قدیم زبان عربی آموخته می‌شد و در مدارس جدید زبان‌های خارجی (فرانسو و یا انگلیسی) آموزش داده می‌شد و زبان عربی را رد می‌کردند. معلمان این گونه مدارس نیز افراد تحصیل‌کرده اروپایی و به اصطلاح روشنفکر بودند که به جای آموزش قرآن، احکام مذهبی، یاد دادن صرف و نحو عربی، ادبیات فارسی و حساب، علوم و فنون جدید را به دانش‌آموزان ارائه می‌کردند و در کنار این اقدامات، با زواج ابتدالی، میل

در آن راه نداشته باشند؛ ولی پس از چند سال یک دختر ایرانی با پوششی اسلامی به این مدرسه آمد و با دختران نامسلمان مشغول تحصیل شد. سرانجام در دوران ناصرالدین شاه، به خواهش بنجامین، وزیر مختار آمریکا، اجازه ورود دختران مسلمان به مدرسه آمریکایی‌ها صادر شد و این

مدارس در سراسر ایران - به جز برخی از شهرها - تأسیس شدند. به راستی هدف اصلی از تأسیس این مدارس چه بود؟ یکی از اهداف اساسی، تبلیغ آیین مسیحیت بود که به وسیله مبلغه‌های مسیحی، نخست برای دختران غیرمسلمان و سپس برای دختران مسلمان

شاهدش بودیم: قلعه‌ای که هیچ نیروی نظامی نمی‌توانست به آن راه یابد، با مبارزه فرهنگی و نفوذ در شؤون اجتماعی مسلمانان به راحتی دست‌یافتنی شد و در اندک زمانی از هویت اسلامی تهی گشت. اما مدتی این معشوقه ناخوانده، این بار سرزمین اصیل دیگری را نشانه گرفت که هر چند در آغاز، نفوذ آن در چنین سرزمینی بعید به نظر می‌رسید، ولی دسیسه‌ها و توطئه استعمارگران بر این امر محال فائق آمد. در حقیقت صلیبیان با شعار آزادی،

زنان و دختران عثمانی را به عرصه‌های اجتماعی کشاندند؛ سپس با صلاح‌دید و زیرپوشش فرم، کم‌کم چهره و لباسشان را تغییر دادند. این تغییر و تحول، بعدها در سبک و شیوه زندگی آن‌ها نیز دیده شد، به گونه‌ای که اسباب و وسایل زندگی، نیازها و ملزومات و حتی شکل خانه‌ها و معماری سنتی و اصیل آن‌ها را نیز در بر گرفت. شبیه این حرکت در ایران معاصر نیز به وقوع پیوست و در نخستین گام، زنان و دختران را نشانه کرد. مسیونرهای خارجی به همراهی‌ات‌های اعزامی از کشورهای اروپایی به ایران آمدند و اجازه رسمی فعالیت مدارس آموزش جدید را از محمدشاه قاجار دریافت کردند. بعدها اجازه تأسیس یک باب مدرسه دخترانه ویژه ارامنه و اتباع کشورهای اروپایی در تهران گرفته شد، مشروط بر این که دختران مسلمان

♦♦ اگر قرار است مدگرایی فکری ما از لایه‌های زیرین اجتماع برجسته شود و رشد کند، باید بر چهره‌ها و عملکرد کسانی چون سید مرتضی آوینی تأکید کنیم



و آرایش هنرپیشگان آن فیلم مبنای قرار می‌گیرد، به موج‌های اجتماعی ربطی ندارد؛ همین‌طور هنگامی که یک فوتبالیست موهایش را به شکل خاصی آرایش می‌کند

◆◆ در حوزه فرهنگ عمومی تنها نمونه از تلفیق فرهنگ عوام و خواص که مصداق آن در جامعه بروز یافته است، در حوزه فرهنگ بسیجی به چشم می‌خورد

و پس از مدتی آن شکل و شیوه به مد تبدیل می‌شود. این مظاهر اقتباس‌هایی است بدون مرز و ناشیانه که در حوزه فرهنگ خواص و عوام به وجود آمده است. به گفته دکتر عباسی، در حوزه فرهنگ خواص و عوام باید مدگرایی هر نسل را در پوشش، گویش و رفتار بومی ببینیم. اگر جعلی باشد، حتی با بهترین کارکرد و توجیهات از این جهت که فضا، فضای یکپارچگی جهانی و جهانی شدن فرهنگی است، منطقی به نظر نمی‌رسد. در حوزه فرهنگ خواص نیز خواص جامعه ما و روشنفکران متأسفانه در اوضاع کنونی دچار بحران هویت شده‌اند، به طوری که آنچه هستند و آنچه می‌خواهند باشند، دو چیز متفاوت است و به نوعی دارای یک ارزیابی فکری عاریتی هستند.

طبق اظهارات رئیس مرکز دکترینال امنیت بدون مرز، اگر قرار است مدگرایی فکری ما از لایه‌های زیرین اجتماع برجسته شود و رشد کند، باید بر چهره‌ها و عملکرد کسانی چون سید مرتضی آوینی تأکید کنیم که همه

به شرکت در چنین مسابقه‌هایی تشویق می‌کنند؛ حقیقتی که متأسفانه هنوز بسیاری از زنان شرقی از آن غافل هستند و این در حالی است که دسیسه‌های دشمنان هر لحظه تدبیر دیگری زارقم می‌زند و هم اکنون رواج مد و مدگرایی در کشور ما هر لحظه به شکل و به گونه‌ای متفاوت، اندیشه‌های آنان را عملی می‌سازد، به طوری که در دهه ۶۰ میلادی جنبش بیتلزم، در دهه ۷۰ هیپی‌ها و هیپی‌زوم، در دهه ۸۰ پانک و پانکیزم و در دهه ۹۰ میلادی مقوله رپ و ریزم مطرح شد و قرن بیستم نیز تلفیقی از این چند موج اجتماعی بود که هر کدام از این جنبش‌ها به طور طبیعی نوع پوشش، لباس، آرایش، مدل مو و حتی موسیقی خود را بر دنیا تحمیل کردند. جالب است بدانیم سرچشمه و پناهگاه همه این جنبش‌ها، ایالات متحده آمریکا بوده است.

نکته دیگر این که همه مدهای موجود در جامعه، که جنبش‌های اجتماعی بر نمی‌گردد. دکتر حسن عباسی - رئیس مرکز دکترینال امنیت بدون مرز - در این باره می‌گوید: این که یک باره فیلمی مثل تایتانیک در غرب محبوبیت می‌یابد و در تمام جهان از جمله جهان سوم نوع پوشش

به تجددطلبی را در قشرهای گوناگون مردم افزایش می‌داند. در حقیقت آنان ادعا می‌کردند که دین اسلام، آزادی را به ویژه برای زنان و دختران محدود می‌سازد و با شعار ساده‌زیستی، هرگونه نوگرایی و تغییر و تنوع را نفی می‌کند؛ حال این که در دین مبین اسلام و سیره اولیای الهی همواره به این مسأله توصیه شده که از آن جمله پوشیدن لباس تمیز و آراسته، شانه کردن موی سر و صورت، و... است. البته این آراستگی و خودآرایی به زینت ظاهر محدود نمی‌شود و آراستگی به فضایل معنوی و اخلاقی را نیز در بر می‌گیرد که زمینه‌ساز سعادت و کمال روحی است، و پیروان خود را به درک زیبایی‌های مافوق عالم ماده راهنمایی می‌کنند تا گرفتار سطحی‌نگری نشوند؛ چنان که امیرمؤمنان علی (ع) نیز در این باره فرموده‌اند: زینت درونی از زینت ظاهری بسیار زیباتر است؛ چه از نظر تأثیر و چه از نظر ماندگاری.

پس می‌بینیم که اسلام نه با نوگرایی، که با افراط و تفریط در خودآرایی و مدگرایی مخالف است و آشکارا اعلام کرده هر چیزی که جنبه خودنمایی یابد و به تجمل‌پرستی بگراید مغفور است. و به واسطه همین استدلال درست و منطقی است که «بوس ورت اسمیت» در کتاب محمد و مسلمانی خود می‌گوید: من با کمال جرأت ایمان دارم که روزی عالی‌ترین فلسفه‌های انسانی و صادق‌ترین اصول مسیحیت تصدیق خواهد کرد که اسلام، کامل‌ترین دین و محمد (ص) پیامبر خاتم بوده است. «برنارد شاو» نویسنده و متفکر معاصر انگلیسی نیز پیش‌بینی کرده است: اروپای امروز که تا اندازه‌ای به حکم اسلامی پی برده و آن را قبول کرده است، در آینده آن را با آغوش باز خواهد پذیرفت. و مصداق این گفته، تغییر و تحولی است که در زنان غربی به وقوع پیوسته. آری! چندی پیش، تعدادی از زنان جوان وابسته به جمعیت جنبش

آزادی زنان به عنوان اعتراض در «رویال البرت هال» - مکانی که مراسم انتخاب ملکه زیبایی جهان برگزار می‌شود - تظاهراتی برپا کردند و رژه دختران نیمه‌عریان را که در برابر چشم مردان صورت می‌گیرد، نكوهش و محکوم کردند. در حقیقت آنان پی برده‌اند که این عمل، توهین به مقام زن است. زنان غربی هم اکنون بیان کرده‌اند که از آنان استفاده ابزاری می‌شود و مردان برای ارضای شهوات و خواسته‌های جنسی خود، آنان را



این لحظه‌ها را در دوران جوانی کهنه کرده و در مرحله شناخت، خود را باز می‌یابد که مو، پوشش و نوع گویش و روشنفکری دینی را می‌رساند. در حقیقت شخصیت آوینی از لایه‌های فکری و اعتقادی جامعه خودی و جامعه‌ای مذهبی سرچشمه می‌گیرد. در حوزه مدگرایی فرهنگ توده‌ای نیز اگر شخصیت قیصر و دیگر کاراکترهای آن حوزه مطرح می‌شود، به این دلیل است که از سطح پایین جامعه ایرانی رشد کرده و بالا آمده؛ از این روساختگی نیست و ماندگار خواهد بود. ولی در حوزه فرهنگ عمومی تنها نمونه از تلفیق فرهنگ عوام و خواص که مصداق آن در جامعه بروز یافته، در حوزه فرهنگ بسججی به چشم می‌خورد که زیرساخت فکری، فقهی و فلسفی ویژه‌ای دارد و مظاهر

این نوع تفکر، پوشش و گویش، هم در یک فرد عام دیده می‌شود و هم در یک فرد خاص - مانند استاد دانشگاه - که به دلیل بومی بودن از همان فکر، نوع لباس و تکیه کلام‌ها بهره می‌گیرد.

متأسفانه دوره نوگرایی و مدگرایی بومی ما به همان دوران جنگ تحمیلی محدود می‌شود و نتوانسته‌ایم پس از آن مدل نویی را بر پایه فرهنگ عمومی جامعه رقم بزنیم. در حقیقت برخی از نهادهای فرهنگی ارزشی که باید در طراحی مد لباس، مد کفش، مد مو... فعالیت داشته باشند، در این زمینه سستی کرده و می‌کنند از سویی آنچه به صورت مد وارد جامعه می‌شود، تأثیر خویش را می‌گذارد و می‌رود. و در کشور ما توسط هیچ مرجعی پیگیری نمی‌شود که شاید همین امر به تقلید کورکورانه از مد دامن می‌زند. طی سال‌های اخیر بارها و بارها از زبان مسؤولان شنیده‌ایم که خطاب به جوانان گفته‌اند: پانک نه، رپ نه، هوی متال نه؛ ولی هرگز مدلی را - دست کم برای آن دسته از جوانانی که متعهد و در عین حال نوگرا هستند - ارائه نکرده‌اند. و این فقط مدل مو، لباس و... رادر بر نمی‌گیرد؛ چرا که هم اکنون زبان محاوره بسیاری از جوانان نیز تحت تأثیر الفاظ بیگانه - و به طور عمده: انگلیسی و آمریکایی - تغییر یافته و اصالت خود را از دست داده که نیازمند گویشی جدید در ادبیات محاوره است.

اما عمق فاجعه جای دیگری است. هم اکنون به رغم تدابیر و تبلیغاتی که درباره

استفاده نکردن از آتین‌های ماهواره‌ای در کشور صورت گرفته، جمعیت قابل توجهی بیننده این شبکه‌ها هستند که همین امر آن‌ها را با آخرین مدل از آرایش صورت، مو، لباس، دکوراسیون و... آشنا می‌کند. به عبارت بهتر، بیش‌تر تماشاگران شبکه‌های ماهواره‌ای، دریافت‌کننده خوراک‌های



◆◆ ره‌آورد
مد، هر ثانیه
تحفه تازه‌تری
است از آن
چه تا چند
لحظه پیش
مطرح بوده
است

مسموم صاحبان این شبکه‌ها می‌شوند که در لایه لای عرضه مدهای گوناگون و کاملاً متمایز و به روز، اجناس، اقلام بهداشتی و دارویی و... این کشورها نیز به بهترین شکل ممکن تبلیغ می‌شود. در این بین، شبکه‌های ۲۴ ساعته Modtv و Fashtiontv با به نمایش گذاشتن مدل‌های مو، صورت، لباس و حتی اندام به وسیله مانکن‌ها و زنان و مردانی که سال‌های گذشته رتبه‌های برتر را در مسابقات و جشنواره‌های زنان و مردان سال کسب کرده و حال در کمال ناباوری توسط برخی شرکت‌ها و از جمله بیمه‌های مطرح تحت پوشش بیمه بدنی و اندامی قرار گرفته‌اند، گوی سبقت را از سایر شبکه‌ها ربوده‌ند. نمایش لباس‌ها، گریم و آرایش مو، صورت و... آن هم به شکل نامتعارف و در عین حال مضحک از این شبکه‌ها، ضمن از بین بردن قبح بسیاری از ناهنجاری‌ها در کشورهای اسلامی، چشمان پاک و معصوم تماشاگران را - از هر صنف و سنی - به دیدن این صحنه‌ها عادت می‌دهد. از سوی دیگر، در این شبکه‌ها افزون بر رواج مدهای مورد نظر، مسائل دیگری از قبیل سکس نیز به طور مستقیم در معرض دید تماشاگران قرار می‌گیرد تا با رواج این ابتذال در هر ثانیه اذهانی از این داده‌های مسموم، تخریب و یک گام به اهداف مورد نظرشان نزدیک‌تر شوند.

حال بسا وجود چنین ورطه‌هایی که هر لحظه قربانیانی به خود می‌گیرد، چگونه می‌توان بر مکر و اندیشه پلید این ایادی فائق آمد؟ بی‌شک اگر بخواهیم از روند پرشتاب

تحولات در عرصه دانش و فن آوری باز نمانیم، باید فرموده مقام معظم رهبری را آویزه گوشمان قرار دهیم که همگان را به مبارزه با تحجر فراخواندند. حاصل این فراخوان، تعامل و ارتباط خوبی است که در سال‌های اخیر بین مجامع حوزوی و دانشگاهی صورت گرفته است. به عبارتی فقط با کمک گرفتن

از زیرساخت‌های فکری و فلسفی و با یاری رسانه‌ها است که می‌توان دهه دهه دانشگاه‌ها و نخبگان کشور را تحت تأثیر یک موج اجتماعی جدید قرار داد تا با مبانی فکری امروز و فردا آشنا شوند و بتوانند با آینده ارتباط برقرار کنند و در سایه چنین اقداماتی است که می‌توان با قاطعیت گفت: رؤیای کج‌اندیشان خام‌طمع مبنی بر اندلس

کردن این سرزمین هیچ‌گاه محقق نمی‌شود؛ چرا که صلیبیان هنوز هم چنین اندیشه‌ای در سر می‌پروراند و این مسأله برایشان به قدری اهمیت دارد که با به رسمیت شناختن دولت غاصب یهود بین کشورهای اسلامی و دادن کمک‌های بلاعوض به آن‌ها تصمیم گرفته‌اند با دشمن دیرینه خود (یهود) صلح کنند تا به واسطه این صلح و همکاری، نیروی بیش‌تری را در جهت مبارزه با اسلام و مسلمین به کار گیرند. آری! آنان سرسختانه می‌کوشند، در حالی که ما مسلمانان با دیدی خوشبینانه فقط نظاره‌گر تلاش آن‌ها برای تصرف سرزمین‌های اسلامی هستیم که در این بین برخی - خواسته یا ناخواسته - خودعامل اجرای نقشه‌های شوم این دولت‌های متجاوز و استعمارگر می‌شوند و با پذیرش برخی فرهنگ‌های القا شده و اجرای کورکورانه آن‌ها، تیشه بر ریشه این سرزمین کهن و فرهنگ متمدن اسلامی می‌زنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. کتاب سرزمین‌خواهرها
۲. روزنامه اطلاعات، دوم آذر ۴۳، شماره ۱۱۵۴۶
۳. تاریخ عرب
۴. رضا رضایی، سیر تجددزدگی نظام آموزشی دختران در ایران معاصر
۵. سیدمحمد نقی حشمت الواعظین طباطبایی، انگوی زن اصیل و آزاد
۶. سیدصادق سیدنژاد، مد و مدگرایی
۷. مجله ردینس، چاپ دهلی‌نو